

## مدخلی بر ویژگیهای رهبری اخلاقی در نهج البلاغه

ابوالفضل عزیزآبادی \*

سعید مرتضوی \*\*

محمدعلی انصاری اول \*\*\*

فریبرز رحیم نیا \*\*\*\*

دریافت مقاله: ۹۵/۸/۴

پذیرش نهایی: ۹۵/۱۰/۱۹

### چکیده

در این مقاله ویژگیهای رهبری اخلاقی مکتب اسلام در نهج البلاغه دربردارنده خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین امام علی(ع)، با استفاده از دانش فقه‌الحديث و تحلیل مضمون ارائه شده است.<sup>(۱)</sup> در طی مراحل و مراتب شناسه‌گذاری در ابتدا حدود ۷۰۰۰ شناسه اولیه، سپس حدود ۵۸۰۰ شناسه اولیه و در سومین شناسه‌گذاری حدود ۴۰۰۰ شناسه اولیه استخراج شد. با تشکیل شبکه مضمونها در حوزه‌های سه‌گانه انسانشناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی «آگاهی‌بخشی غفلت‌زدا» به‌عنوان مضمون فراگیر شناسایی شد. در حوزه انسانشناسی شش مضمون سازمان‌دهنده شامل توجه به رابطه با خود و با دیگران، هدایت‌پذیری، نگرش به رفتار و مسئولیت‌شناسی مقام و کسب فضائل اخلاقی با ۲۲ مضمون پایه، در حوزه جهان‌شناسی چهار مضمون سازمان‌دهنده توجه به دنیا، آخرت، مرگ و تهدیدات محیطی با ۱۶ مضمون پایه و در حوزه خداشناسی سه مضمون سازمان‌دهنده توجه و شناخت صفات الهی، هدایت انسانها و پیروی از هدایت خدا با ۱۳ مضمون پایه شناسایی شد. توجه همزمان به این حوزه‌ها برای رشد همه‌جانبه انسانها نشان از برتری رهبری مبتنی بر اخلاق اسلامی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** رهبری و اخلاق در نهج البلاغه، رهبری اخلاقی، نهج البلاغه، اخلاق و ویژگی آن.

ab.azizabadi@yahoo.com

\* دانشجوی دکتری رفتار سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد

mortazavi@um.ac.ir

\*\* نویسنده مسئول: استاد گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد

hedayatnoor@live.com

\*\*\* عضو گروه پژوهشی مدیریت اسلامی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

r-nia@um.ac.ir

\*\*\*\* استاد گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

موضوع رهبری با محوریت مفاهیم نفوذ و قدرت، جایگاه گسترده و مهمی در سازمان و مدیریت و در زندگی انسانها دارد. گستردگی آن را می‌توان به تمایل و انگیزش افراد به اعمال رهبری نسبت داد. افراد بر اساس نظریه انگیزش برای هدایت کردن<sup>۱</sup> به لحاظ هویت درونی و هنجارهای اجتماعی به رهبری تمایل، و نسبت به بر عهده گرفتن نقشهای آن انگیزه دارند (چان و دراسگاوا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۴۸۲). اهمیت رهبری نیز در رویارویی با تغییر و وضعیت پیش‌بینی‌نشده و کارکرد انسانساز آن مربوط است. به رغم این جایگاه، شناخت جامع رهبری دچار کاهش‌گرایی شده که نتیجه آن تعمیم‌پذیری اندک نظریه‌های رهبری است. برخی از زمینه‌های بروز این کاهش‌گرایی عبارت است از:

- برجسته‌سازی نقش رهبر و کم‌توجهی به دیگر عوامل نقش‌آفرین (برنز<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸: ۲۸-۱۹)

- توجه رهبری به برخی از ابعاد انسان مانند محسوسات و غفلت از ابعادی مانند روحی و معنوی

(فری و کریگر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۱۶۷۴)

- کم‌توجهی به نقش رهبری در رشد و تکامل انسان (کریگر و سنج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵: ۷۸۰)

- کم‌توجهی به ملاک تعیین‌کننده درستی هدف و فرایند رهبری و میزان صحت این ملاک

با طرح مفهومی که رهبری را در جهت رشد و تعالی غایتمند کند و ملاک درستی هدف و فرایند رهبری را نشان دهد، می‌توان این کاهش‌گراییها را پوشش داد. در واقع هدایت پیروان به سمت غایت متعالی می‌تواند به رشد و تحول آنها منجر شود به گونه‌ای که بعد از دستیابی به هر سطح آن، افراد دچار پوچی نشوند و در مسیر دستیابی به مراتب بالاتر رشد حرکت کنند. علاوه بر این، مسیر چگونگی هدایت و رشد پیروان نیز مورد ممیزی درستی قرار می‌گیرد تا از روش درست برای دستیابی به این غایت استفاده شود. از این مفهوم ضروری برای رهبری، که تعیین‌کننده درستی پدیده‌ها و غایت آنها است به‌عنوان «اخلاق» یاد می‌شود. در به‌کارگیری این مفهوم باید میان علم اخلاق و فلسفه اخلاق تمایز قائل شد. منشأ پیدایش مفاهیم اخلاقی در فلسفه اخلاق، چرایی درستی

1 - Motivation to lead (MTL)

2 - Chan & Drasgow

3 - Burns

4 - Fry & Kriger

5 - Kriger & Seng

(خوبی) و نادرستی (بدی) آنها و مهمتر از همه غایت اخلاق مطرح، و در علم اخلاق موضوعات درست (خوب) و نادرست (بد) در قالب فهرستی از فضائل و رذایل اخلاقی نشان داده می‌شود. بر این اساس وقتی رهبر مکتب اصیل اخلاقی‌ای را انتخاب کند که به رشد و تکامل انسانها در مسیر دستیابی به غایت متعالی منجر شود و در این مسیر اتصاف به فضائل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی را دنبال کند، می‌توان نتایج واقعی و انسانساز رهبری را مشاهده کرد. در غیر این صورت رهبری با وجود تهدیدات مختلف از مسیر خود خارج خواهد شد؛ زیرا منابع قدرت در اختیار رهبر نقش تیغ دو لبه را دارد؛ هم می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌کشی یکجانبه از پیروان باشد که قسمتی از آن را می‌توان در فسادهای مالی یا نسل‌کشی رهبران فاسد یافت (خسروانیان و شفیع‌ی رودپشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۸؛ براون و تریونو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۶۱۱) و هم می‌تواند مایه رشد و تکامل پیروان باشد که نمونه والای آن را می‌توان در رهبری رهبران الهی یافت. از این‌رو می‌توان ادعا کرد به‌اندازه نیاز انسان به آب و غذا، رهبران به اخلاق نیاز دارند (کاننگو و مندونکا، ۱۹۹۶: ۳) و رهبری باید مبتنی بر اخلاق مورد ممیزی قرار گیرد و هدفمند شود.

به رغم ضرورت رهبری مبتنی بر اخلاق، نیاز به موضع‌یابی سنجیده و هدفمند اخلاق در رهبری آن هم در سطح فلسفه اخلاق وجود دارد. چه بسا مفهوم اخلاق با ماهیت مقدس و سازنده آن به دلیل اینکه ابزار منفعت‌طلبی برخی رهبران خودخواه شده است به‌جای اینکه معیار انتخاب درست و عامل رشد انسانها باشد، باعث عقب‌ماندگی یا توقف انسانها شده است یا اکتفا به علم اخلاق و کم‌توجهی به فلسفه اخلاق می‌تواند زمینه ابهام در رهبری مبتنی بر اخلاق را ایجاد کند؛ لذا توجه به فلسفه و مکتب اخلاقی صحیح و انسانساز از ضرورت‌های رهبری است. در غیر این صورت، نه تنها منشأ حرکت سازنده نیست، بلکه به دلیل اثرگذاری سوء بر دیدگاه عموم افراد به کاهش شأن رهبری و اخلاق منجر می‌شود (قراملکی، ۱۳۸۸: ۶۰).

با توجه به اینکه مکاتب فراوان اخلاقی نیز هرکدام غایت و مسیر خاصی را در تبیین درستی و

هدفمندی پدیده‌ها از جمله رهبری دارند، دو سؤال این پژوهش عبارت است از:

۱ - "آیا می‌توان چهارچوب عمومی و جامعی از رهبری مبتنی بر اخلاق ارائه کرد که در هر مکتب اخلاقی قابل اجرا باشد؟ به عبارت دیگر چه نوع چهارچوب جامعی می‌توان به هر نوع مکتب اخلاقی ارائه کرد که در پاسخ به آن، هر مکتبی ویژگیهای رهبری اخلاقی خاص خود را در جهت

رشد پیروان به سمت غایت آن مکتب نشان دهد؟"

۲ - مکتب اخلاق دینی با دستیابی به چهارچوب عمومی نسبت به سایر مکاتب چه جایگاهی دارد؟"

این پژوهش سعی دارد با دستیابی به این چهارچوب عمومی و اجرای آن در نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع دینی در توسعه ادبیات نظری علوم اسلامی نقش داشته باشد. در ادامه به دلیل تمایز رویکردهای دینی و غیر دینی در مفاهیم رهبری و اخلاق در شکل گیری رهبری اخلاقی، ادبیات مربوط به هر کدام ارائه می شود.

## مبانی نظری و سابقه پژوهش

### رهبری در ادبیات غربی

مفهوم رهبری با وجود تمایز و تشابهی که با مفهوم مدیریت دارد با محوریت مفهوم نفوذ به عنوان فرایند نفوذ بر دیگران برای کسب اهداف مشترک تعریف شده است (بوکل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۴۱۷) و متناسب با شیوه های مختلف آن، نظریه ها و تقسیم بندیهای مختلفی ارائه شده است؛ به عنوان مثال در یک نگاه، سه دسته نظریه در رهبری مطرح است (کریگر و سنج، ۲۰۰۵: ۷۸۹ و ۷۸۸):

۱ - داشتنی ها<sup>۲</sup>: توجه به داشتن شایستگی ها و ویژگیهای شخصیتی مناسب رهبر برای رهبری

۲ - انجام دادنیا<sup>۳</sup>: توجه به رفتارهای رهبر در زمان و موقعیت معین

۳ - بودنیا<sup>۴</sup>: توجه به احساسات، افکار، موقعیت و شهود درونی مربوط به رهبری

نظریه های بند ۱ و ۲ در نظریه های صفات مشخصه، رفتاری و اقتضایی مطرح شده است؛ اما به دلیل موقعیت جدید رهبری نظریه های دسته سوم که به چشم اندازها، تصویرها، ارزشها و نقش معنابخش رهبری تأکید دارد، اهمیت یافته است؛ از جمله مهمترین این دسته از نظریه ها می توان از رهبری تحولی<sup>۵</sup> نام برد. این نظریه در کنار رهبریهای تبادلی<sup>۶</sup> و استعلایی<sup>۷</sup> مطرح می شود. رهبری تبادلی با ماهیت تبادل اقتصادی یا بده - بستانی میان رهبر و پیرو بر پاداشهای بیرونی در برابر

1 - Yukl

2 - Having

3 - Doing

4 - Being

5 - Transformational leadership

6 - Transactional leadership

7 - Transcendental leadership

دستیابی به اهداف مورد توافق تأکید دارد. درحالی که رهبری تحولی با ماهیت تبادل اجتماعی و تأکید بر چشم‌انداز جذاب و ارزشهای طرفین به دنبال همسو کردن پیروان با سازمان است (نورتوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۳۲). در موقعیت بحران نیز رهبری کاریزماتیک<sup>۲</sup> مطرح می‌شود که رهبر با ویژگیهای استثنایی و خاص خود به دنبال تحول بنیادین و ساختارشکنی است (نورتوس، ۲۰۰۷: ۱۳۴)؛ اما به دلیل اینکه این رهبرها می‌تواند توسط رهبران شایسته و ناشایست استفاده شود، نظریه‌هایی مانند رهبریهای اصیل و خدمتگزار مطرح شده است. رهبر در رهبری اصیل<sup>۳</sup> بر دو ویژگی خودآگاهی (شناخت از خود و دیگران) و خودتنظیمی (تعیین استانداردهای درونی) به دنبال رفع شکاف میان شناخت و عملکرد است (آولیو و گاردنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۳۲۵ و ۳۲۴). رهبر در رهبری خدمتگزار<sup>۵</sup> نیازهای پیروان را بر خود ترجیح می‌دهد و بهبود وضعیت پیروان را برای خود آنها و نه برای منفعت طلبی خود یا سازمان دنبال می‌کند (نورتوس، ۲۰۰۷: ۲۵۷). همان‌طور که اشاره شد در کنار رهبری تحولی، رهبری استعلایی مطرح است که مبتنی بر معنویت در محیط کار، پیروان با مرکز کنترل درونی‌تر و انگیزه‌های متعالی به منظور بهره‌برداری از ظرفیتهای خود توانمند می‌شوند (الکساکیس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱: ۷۱۲). این نوع رهبری با رهبری معنوی<sup>۷</sup> متناسب است که با محوریت بقای معنوی پیروان در محیط کار به دنبال ایجاد چشم‌انداز مشترک و تبیین مفهوم عضویت (درک شدن و مورد توجه قرار گرفتن) است تا پیروان معنای واقعی کار خود را درک کنند و برای آن اهمیت قائل شوند (فری، ۲۰۰۳: ۶۹۵).

این نظریه‌ها در کنار سایر نظریه‌های متعدد رهبری به دنبال پوشش وجوه و تبیین کارکردهای آن است؛ اما این نظریه‌ها با چالش انتخاب هدف درست و شیوه صحیح اعمال آن روبه روست به این معنی که درستی هدفی که این اجرای نظریه‌ها دنبال می‌کند، باید مورد توجه و ممیزی قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال ممکن است رهبری تحولی در مسیر هدفی نادرست به تحول افراد منجر شود؛ لذا همان‌طور که بیان شد به استفاده از کارکرد تمایزبخش و غایت‌مدار اخلاق در رهبری نیاز

- 
- 1 - Northouse
  - 2 - Charismatic leadership
  - 3 - Authentic leadership
  - 4 - Avolio, B. J., & Gardner
  - 5 - Servant Leadership
  - 6 - Alexakis
  - 7 - Spiritual leadership

است؛ اما در مفهوم شناسی رهبری مبتنی بر اخلاق به طور عمده به فهم عرف عمومی از اخلاق و توجه به علم اخلاق بسنده شده است؛ هم‌چنانکه بسیاری از پژوهشها اهمیت موضوع را با سوءاستفاده‌های مالی، اقتصادی و... رهبران نشان داده، و بی‌توجهی به فضائل اخلاقی را عامل چنین رسواییهایی دانسته است (براون و تریونو، ۲۰۰۶: ۶۱۱؛ میر اسکندری، ۱۳۸۳: ۴۱ و ۴۰). این رویکرد درمان‌گرایانه و مشکل محوری که اخلاق را بازدارنده رهبران از رذایل اخلاقی تلقی می‌کند، نشانگر نوعی کاهش‌گرایی نسبت به اخلاق است که در کنار کاهش‌گراییهای رهبری، نگران‌کننده به نظر می‌رسد؛ لذا نظریه‌پردازی رهبری مبتنی بر اخلاق نیازمند توجه به فلسفه و مکتب اخلاقی است که برخی از این مکاتب مرور می‌شود.

#### اخلاق در ادبیات غربی

مکاتب اخلاق غربی با سابقه چند هزارساله در تلاش بوده‌اند که مبتنی بر عقل و تجربه بشری چهارچوبی برای اخلاق تعیین کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲)؛ لذا غایت این مکاتب در رشد افراد نیز دچار محدودیت است؛ به‌عنوان مثال در مکتب جامعه‌گرایی با تأکید بر اصالت جامعه، انسانها به اطاعت از جامعه مجبور هستند و در این صورت ماهیت رهبری در رشد انسانها زیر سؤال می‌رود و دیگر اینکه جایی برای رهبران مصلح باقی نمی‌ماند. مکتب قراردادگرایی مفاهیم اخلاقی را حاصل توافق افراد خاصی در وضعیت خاصی می‌داند؛ لذا زمینه سوءاستفاده پيروانی را ایجاد می‌کند که در این جمع خاص قرار دارند. مکتب لذت‌گرایی معتقد است رفتار درست، عملی است که دارای لذت و مطلوبیت باشد (خوشحال، ۱۳۸۰: ۸۲). در این صورت، هدایت پیروان می‌تواند به لذت‌گرایی افراطی و غفلت از پیامد لذت منجر شود که با شأن رهبری و اخلاق تناسب ندارد. مکتب سودگرایی بنام منشأ صدور مفاهیم اخلاقی را فایده یا خیر عمومی می‌داند (بکر، ۱۳۷۸: ۹۷-۱۰۵)؛ لذا در رشد افراد به تمایز میان سهم منفعت پیروان با دیگران بی‌توجهی می‌شود. در مکتب قدرت‌گرایی نیچه بر عدم تساوی میان انسانها و پذیرش نابرابری طبیعی میان آنها تأکید می‌شود که در آن اکثریت ضعیف باید وسیله برتری اقلیت قوی باشند (صانعی دره بیدی، ۱۳۷۷). رهبری در این مکتب به رشد پیروان ضعیف توجهی ندارد و با بی‌اراده دانستن آنها شأن کرامت‌مدار انسان را نادیده می‌گیرد. در مکتب وظیفه‌گرایی کانت، عقل به‌عنوان پدیده‌ای مابعدالطبیعه واضح حکم اخلاقی است و معیار رفتار اخلاقی ادای تکلیف عقلانی است (بکر، ۱۳۷۸: ۸۴-۸۰). رشد انسانها در این مکتب به دلیل عدم کنترل کافی در هدایت انگیزه آنان و

پیروی از قانون بدون چشم‌داشت به نتیجه رفتار، بسیار دشوار است. در مکتب سعادت‌گرایی، فضیلت اخلاقی نقطه اعتدالی بین دو رذیلت افراط و تفریط اخلاقی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲)؛ به‌عنوان مثال فضیلت «سخاوت» را حد وسط «اسراف» و «بخل» می‌داند. رهبری در ارائه راهکار عملی در رشد پیروان دچار چالش است.

غالب مکاتب غربی به دلیل نسیت‌گرایی و نداشتن غایت متعالی در رشد تمام ابعاد انسانی دچار چالش هستند؛ اما به هر شکل می‌توانند به‌عنوان عامل ممیزی، جهت‌دهی و تعالی‌بخشی رهبری در رشد پیروان عمل کنند. نقش‌آفرینی اخلاق در رهبری و وجوه پیوند میان این دو مفهوم ارتباط جالب و آموزنده‌ای است که برخی از این وجوه در ادامه بیان می‌شود.

### وجوه پیوند رهبری و اخلاق

با توجه به این مطالب و مطالعه سایر مفهوم‌پردازیه‌های رهبری اخلاقی در مطالعاتی مانند براون، و هاریسون (۲۰۰۵)، ترینو، هارتمن و براون (۲۰۰۰)، براون و ترینو (۲۰۰۶)، بنهور و جوسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، کانگو و مندونکا (۱۹۹۸) می‌توان به رابطه تنگاتنگ رهبری و اخلاق پی برد به‌گونه‌ای که رهبری را از جنس اخلاق دانست و اخلاق را جزء ذاتی رهبری قلمداد، و وجوه ذیل را در تبیین پیوند رهبری با اخلاق بیان کرد:

- رهبر نسبت به تحول پیروان هم به‌مراتب اخلاق و هم به لحاظ اخلاقی مسئولیت دارد (برنز،

۱۹۷۸).

- رهبر عامل تحول و تثبیت ارزشهای اخلاقی پیروان و سازمانها است (نورتوس، ۲۰۰۷: ۲۵۵).

- پیروان، رفتار رهبر را بر بنیانهای اخلاقی که تشخیص می‌دهند، تبیین می‌کنند و می‌پذیرند

(گراهام<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۳: ۶۹-۷۱).

- رفتار اخلاقی، آگاهانه و اختیاری است و رهبری مبتنی بر رشد پیروان بر اساس آگاهی و

اختیار آنها نشانگر رهبری اخلاقی است.

- رهبر به‌عنوان الگوی نقش و الگوی یادگیری در رشد اخلاقی پیروان است (براون و دیگران،

۲۰۰۵: ۱۲۰).

- اخلاق به‌عنوان رفتار ارتباطی پایدار در روابط میان رهبر و پیروان است (قراملکی، ۱۳۸۵:

1 - Ben-Hur & Josen

2 - Graham

(۶۰).

- پیروان نیاز ضروری معرفی شده توسط رهبر را نیاز درست تلقی می‌کنند (تلقی درستی از سوی پیروان معیار اخلاقی بودن است). (برنز، ۱۹۷۸: ۱۲۰-۷۸).

- رهبر با انتخاب مکتب اخلاقی به دنبال حرکت و رشد پیروان در مسیر دستیابی به غایت اخلاق است.

اگرچه با شناختی که تا این قسمت از مفاهیم رهبری و اخلاق به دست آمد، می‌توان نسبت به مفهوم رهبری اخلاقی به جمع‌بندی اولیه رسید، بررسی نظریه‌ها نشان می‌دهد به دلیل توقف بر علم اخلاق دچار چالش بوده‌اند؛ زیرا بسیاری از فضائل و رذایل میان مکاتب اخلاقی، مشترک است و هر مکتبی دلیل و هدف خاصی در تبیین فضائل و رذایل دارد. آنچه میان این مکاتب و نظریه‌ها تمایز ایجاد می‌کند توجه به فلسفه و غایت اخلاق است؛ لذا برای مفهوم‌پردازی رهبری اخلاقی باید چهارچوبی را ارائه کرد که با اجرا در هر مکتب بتواند مختصات رهبری اخلاقی در آن مکتب را نشان دهد و مبتنی بر آن بتوان رهبری مکاتب اخلاقی را مقایسه کرد. با مطالعه ادبیات رهبری مشخص شد دیدگاه برنز (۱۹۷۸) توان و امکان استخراج این چهارچوب را دارد و می‌تواند نقطه ورودی برای این مفهوم باشد. در ادامه خلاصه‌ای از دیدگاه وی مطرح می‌شود.

برنز (۱۹۷۸: ۶۴ تا ۹۷) معتقد است در رهبری به‌عنوان شکلی از اعمال قدرت، رهبر در تلاش است منابع قدرت خود را در راستای نفوذ بر پیروان به کار بندد؛ اما به دلیل اینکه افراد انگیزه‌ها و نیازهای مختلفی دارند ممکن است تمام اراده رهبر در اعمال نفوذ تحقق نیابد؛ لذا باید رهبر به‌عنوان دارنده قدرت و پیروان به‌عنوان پذیرندگان قدرت مبتنی بر هدف مشترک در فرایند رهبری قرار گیرند به گونه‌ای که پیروان با نیازهای گوناگون، هدف مشترک را نوعی نیاز برای خود تلقی کنند؛ نیازی که شرکت در فرایند رهبری می‌تواند آن را برآورده سازد. پیروان در صورتی هدف مشترک را نیاز اولویت‌دار خود انتخاب می‌کنند که دو ویژگی را از این نیاز درک کنند؛ یکی ضرورت و دیگری درستی.

درک ضرورت نیاز توسط پیروان به تشخیص رهبر در سنجش وضعیت پیروان و اوضاع محیطی مربوط است؛ به‌عنوان مثال، رهبر نشانه‌های نارضایتی و محرومیت موجود را شناسایی، و با سنجش توانمندی پیروان، منابع قدرت خود را به گونه‌ای هدایت می‌کند که پیروان با درک توانایی خود در رفع نارضایتی و محرومیت به این نتیجه برسند که رفع نارضایتی و محرومیت، نیازی



ضروری است که آنها با توانایی خود می‌توانند آن را برطرف کنند. البته پیروان با نیازهای معرفی‌شده رهبران رقیب و مخالف نیز روبه‌رو هستند؛ لذا رهبر با ایفای نقش آگاهی‌بخش به پیروان در زمینه داشته‌های آنها و تناسب توانایی آنان با کسب هدف باعث می‌شود پیروان نسخه رهبر را درست تشخیص دهند؛ چرا که رهبر توانسته است فرصت واقعی‌تر و بهتری برای شکوفایی استعداد آنان و رفع مشکلات فراهم کند. در این صورت پیروان در رویارویی با گزینه‌های رقیب یا مخالف، آگاهانه به انتخاب دست می‌زنند و خود را منشأ اراده و نه مهره‌های بی‌اراده شطرنج می‌دانند؛ لذا هم رهبر و هم پیروان نقش تعیین‌کننده دارند.

بر اساس این ادبیات، رهبری شناخت نیاز واقعی و ضروری، کشف و بهره‌برداری از تعارض میان خود با نوع رقیب یا مخالف برای برآوردن هدف مشترک تعریف می‌شود (برنز، ۱۹۷۸) در صورتی که این ادبیات مبتنی بر رفتار سازمانی مثبت و شأن‌تعالی‌بخشی رهبری در رشد پیروان به سمت اهداف غایی دنبال شود، رهبر می‌تواند شکاف وضع نامطلوب و مطلوب را فراتر از نمایش نشانه‌های نارضایتی و محرومیت ادامه دهد و همانند سلسله‌مراتب نیازهای مازلو (۱۹۵۹) به نقل از برنز، (۱۹۷۸: ۶۴) بعد از برطرف شدن هر سطح به دنبال نیازهای سطح بالاتر پیروان باشد؛ به این معنی که رهبر با حساسیت‌بخشی پیروان به شکاف میان وضعیت مطلوب و وضعیت برتر تلاش می‌کند نیاز به رفع این شکاف به‌عنوان نیاز ضروری و درست از سوی پیروان تشخیص داده شود و آنها آگاهانه و مشتاقانه، نیازی را که مورد غفلت قرار گرفته است انتخاب کنند تا برای برآوردن آن تلاش کنند. با توجه به اینکه پیروان آگاهانه و اختیاری ضرورت و درستی نیازها را تشخیص می‌دهند و در مسیر تحقق نیازها حرکت می‌کنند و حرکت به سمت نیازهای برتر به رشد و تعالی وجودی و شخصیتی آنها منجر می‌شود از این شکل رهبری به رهبری اخلاقی<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود؛ زیرا بر اساس وجوه پیوند رهبری با اخلاق درک آگاهانه و اختیاری مفهوم درستی نشان‌دهنده اخلاق است و رهبری چنین درکی را برای پیروان فراهم می‌کند.

بر این اساس رهبری اخلاقی مبتنی بر غایت اخلاق به‌عنوان هدف نهایی رشد و تحول پیروان در تلاش است با آگاهی‌بخشی و حساسیت‌زایی پیروان نسبت به درک ضرورت و درستی حرکت به سمت غایت اخلاق، آنها را رشد دهد؛ لذا می‌توان با مراجعه به هر مکتب اخلاقی عوامل و سازوکار این آگاهی‌بخشی و حساسیت‌زایی را استخراج کرد و مفهوم رهبری اخلاقی خاص آن را

نشان داد.

### موضوع‌شناسی رهبری اخلاقی نسبت به دیگر نظریه‌های رهبری

اضافه کردن پسوند اخلاق به رهبری مانند اضافه شدن دیگر پسوندهای رهبری نیست و دلیل آن را می‌توان در مفهوم اخلاق و سطوح آن دانست. اگر اخلاق در سطح علم اخلاق مطرح شود، تمام نظریه‌های رهبری دارای بار اخلاقی هستند؛ چراکه رهبران با داشتن صفات پسندیده‌ای مانند صداقت، اعتماد و اعتبار مسیر هدایت پیروان را دنبال می‌کنند؛ با وجود این می‌توان به جایگاه تعیین‌کننده و گسترده رهبری اخلاقی نسبت به دیگر نظریه‌ها اشاره کرد؛ زیرا برای پذیرش و نهادینه شدن اخلاق باید سطح عالی سازمان با در جهت ابلاغ و تقویت اصول و ارزشهای اخلاقی اقدام کند (تور و افوری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۵۳۷ و ۵۳۶). علاوه بر این ممکن است در نظریه‌های رهبری از برخی ابزارهای ناشایست استفاده کند و در این استفاده توجیهاتی نیز بیان شود. در رهبری اخلاقی به دلیل عدم مصالحه در رذایل اخلاقی برای منافع کوتاه‌مدت و جزئی از ابزارهای ناشایست استفاده نمی‌شود.

در مجموع مطالب پیشگفته در ادبیات غربی مطرح شده است که به دلیل بسنده کردن به تجربه و عقل بشری دچار محدودیت، و از مسیر انسانساز رهبری و تعالی بخش اخلاق فاصله گرفته است. در ادامه رویکرد دینی برای برونرفت از این محدودیتها بیان می‌شود.

### رهبری از دیدگاه دینی

ادیان الهی، دیدگاه خاص خود را به مفاهیم رهبری و اخلاق دارند. روشن است خدای حکیم و علیم که انسان را آفریده و به زوایای پنهان و اسرار درونی وی آگاه است برای هدایت و تربیت انسان برنامه‌ای خاص ارائه کرده و برنامه هدایتی خود را از طریق وحی و دین برای انسانها فرستاده است. از طرفی انسانها نیز مبتنی بر فطرت خود دینگرا هستند. «پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است» (روم / ۳۰). در این مسیر پیامبران به‌عنوان رهبران انسانها نسخه هدایت و رشد پیروان خود را ارائه کرده‌اند تا گرایش فطری انسانها به دین را در مسیر صحیح قرار دهند. برخی از پیامبران نیز در منصب رسمی اداره حکومت الهی بوده‌اند؛ مانند سلیمان(ع)، داوود(ع) و پیامبر اسلام(ص).

آمار افراد دیندار در جهان نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد جمعیت جهان پیروی یکی از ادیان هستند (دایره المعارف بریتانیکا، ۲۰۰۴ به نقل از کریگر و سنج، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه دین منبعی غنی در نظریه‌پردازی و اجرای رهبری به لحاظ داده‌ای، قلبی، محتوایی و تاریخی است (کمپبل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۴۳۶)، رهبری می‌تواند از این ظرفیت آماده و مساعد و این ارتباط غنی بهره‌مند شود. دین چنان ظرفیتی دارد که حتی ادیان بشری که منشأ آنها انسانها بوده‌اند، چهارچوبی برای رهبری دینی ارائه کرده‌اند. کریگر و سنج (۲۰۰۵) پنج دین مطرح در جهان (اعم از الهی و انسانی) یعنی اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودایی و هندویی را نسبت به مفهوم رهبری مقایسه کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: دیدگاه رهبری در ادیان منتخب پنجگانه

ادیان معیار	اسلام	مسیحیت	یهودیت	بودایی	هندویی
رهبر به‌عنوان	خدمتگزار به خدا و خلق	الگوی نقش	معلم و پرسشگر	معلم و الگوی نقش	الگوی نقش خدایان
سرمشق	محمد(ص)	عیسی (ع)	ابراهیم(ع)	بودا	کریشنا (وجهی از خدا، خارج از جهان مادی)
شیوه رهبری	قرب به صفات الهی	محبت و صلح	معنابخشی	نمونه بودن	مثالها و داستانه‌ها
چشم‌انداز	تسلیم در برابر خدا	محبت ورزی	یگانگی	عقل و مهربانی	آزادی از دوگانگی
نوع وحی	قرآن	زندگی عیسی(ع)	کتابهای پیامبران بنی اسرائیل	تجربه مستقیم	خودپرسشگری و عمل
منبع هدایت	قرآن	عهد عتیق و جدید	تورات	تأمل در خود	گیتاهاگاواد (کتاب مقدس آیین هندویی)

وقتی ادیان زمینی که با محدودیت بشری روبه‌رو هستند، نسخه رهبری ارائه می‌کنند، دین مبتنی بر وحی، که بر مبانی عقلی و تجربی صحنه می‌گذارد به طریق اولی می‌تواند نسخه رهبری مناسبتر ارائه کند. با توجه به اینکه رهبری مفهومی است که با وجود تغییر معنا می‌یابد و تغییر در

سطح اندیشه بشری از تغییرات مهم است با گذشت زمان در هر دین، اقتضائات خاصی نیز در هدایت انسانها ارائه شده تا سرانجام به سه دلیل ذیل و حداقل با نگاه درون دینی، دین اسلام به عنوان کاملترین دین معرفی و تعیین شده است:

قرآن: آخرین وحی خدای سبحان که هم تأییدکننده کتابهای وحی قبلی است و هم نسخه متعالی و برتر هدایت عصرها و نسلهاست.

پیامبر (ص): شخصیت بی نظیر پیامبر (ص)، که نمونه عالی انسان کامل است، «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست» (احزاب / ۲۱).

مخاطبان: انسانهای زمان طلوع اسلام و نسلهای بعدی به سطحی از رشد یافتگی و صلاحیت رسیده‌اند که می‌توانند مخاطب قرآن باشند و با استفاده از دو منبع متقن و محکم قرآن و سنت به بالاترین مقامات رشد وجودی برسند که فرمود. در ادامه کلیاتی از دیدگاه اسلام به رهبری بیان می‌شود.

### رهبری در اسلام

رهبری با واژگان فراوانی در اسلام نشان داده شده است که هر کدام تبیینی از کارکردهای آن است. برای کلمه رهبر (و متناسب با آن برای رهبری) می‌توان کلماتی مانند الامام، الهادی، القائد، الرائد، الحاکم، المقتدی، الدلیل، الراعی، السائق، رئیس، السلطان، الوالی، الیعیوب، المالک و... را نشان داد؛ به عنوان مثال واژه «الهدایه» به معنای «الرَّشَادُ وَ الدَّلَالَةُ بِلُطْفٍ إِلَى مَا يُوصِلُ إِلَى الْمَطْلُوبِ» (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۰: ۳۲۷) است؛ یعنی راهنمایی کردن به هدفی مطلوب به همراه مهربانی و عطف. با وجود مشترکات این تعریف با ادبیات غربی آنچه مفهوم‌پردازی رهبری اسلامی را متمایز می‌کند، منابعی است که این مفهوم از آن استخراج می‌شود. منابع اسلام برای استخراج اجزای دین (عقاید، احکام و اخلاق) دو منبع اصلی قرآن و سنت و دو منبع فرعی عقل و اجماع است.

بر مبنای آموزه‌های وحی، می‌توان مفهوم هدایت و رهبری را از خدای سبحان آغاز کرد که تمام موجودات را در مسیر هدایت قرار داده و ابزار و شرایط هدایت را برای آنان به مقتضای ظرفیتشان در اختیار آنان قرار داده است. «پروردگار ما کسی است که به هر چیز، آفرینش شایسته آن را داده و سپس آن را هدایت فرموده است» (طه / ۵۰). برای انسانها علاوه بر اینکه آنها را به

هدایت‌های سه‌گانه غریزی، فطری، عقلایی مجهز کرد، هدایت و حیانی را در اختیار آنان قرار داد و بار سنگین آن را بر دوش انسانهای برگزیده‌ای نهاد. در اسلام جامعه اسلامی در ابتدا توسط شخص پیامبر (ص) رهبری می‌شود. «آنچه را پیامبر به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت باز ایستید» (حشر / ۷).

مرور سرگذشت رهبری در تاریخ اسلام، دوران خوشایند و سازنده‌ای را نشان نمی‌دهد. تنها در ابتدای ظهور اسلام می‌توان مفهوم رهبری را مطابق آموزه‌های اسلام درک کرد (علی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). پس از آن در زمان حکومت‌های اموی، عباسی، مغولان و سپس تجزیه ممالک اسلامی و در ادامه، نفوذ استعماری کشورهای غربی، جامعه اسلامی از ارائه نظریه مستقل رهبری چنان دور ماند که پیامدهای ناگوار آن تا دوران معاصر نیز ادامه یافته است. البته این مشکلات مانع تلاش روشنفکران دینی در مفهوم‌پردازی رهبری نشده است.

رهبری اسلامی را می‌توان با محوریت مفاهیم «امانت» و «امامت» تبیین کرد (السرهی<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۴: ۴۸ و ۴۷؛ ری شهری، ۱۳۷۶). انسان در اسلام امانتداری است که هیچ موجود دیگری تحمل ادای این امانت را ندارد. «ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت» (احزاب / ۷۲) و به‌عنوان خلیفه خدا در زمین تعیین شده است. «پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت» (بقره / ۳۰). روشن است خلیفه باید شئون وجودی مستخلف خود را رعایت کند؛ یعنی انسان می‌تواند و باید صفات خدا را در خود نشان دهد و این همان مقام قرب الهی است؛ زیرا قرب به خدا به معنی قرب به صفات خدا مانند صفات حکمت، عدالت، فضل، رحمت و... است و انسان هر چه بیشتر بتواند این صفات را خود تثبیت کند، قرب الهی را بیشتر درک کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰) و به دلیل رشد وجودی در مقام خلیفه‌اللهی جایگاه بالاتری را دارد و از عهده نعمت‌های خدا، که امانت نزد وی به ودیعه گذاشته شده است به شکل بهتری برآید و نسبت به دیگرانی که در مراتب پایین‌تر قرب قرار دارند به‌عنوان رهبر و پیشرو، مسئولیت یابد.

در راستای تبیین این مفهوم‌پردازی تلاشهای شایسته‌ای انجام شده است؛ به‌عنوان مثال، انصاری (۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) اصول مدیریتی پیامبر(ص) و سلیمان(ع) را از قرآن استخراج کرده است.

1 - Ali

2 - AlSarhi

ری‌شهری (۱۳۷۶: ۳۲۵-۱۸۹) و علی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) ویژگیهای متمایزی را برای رهبری مبتنی بر رعایت اصول و موازین اسلامی در تحقق سعادت جامعه نشان داده‌اند. بیکان (۲۰۱۲) در نظریه رهبری سیره مدار<sup>۱</sup> تلاش شایسته‌ای در استخراج رهبری از سیره نبوی به عمل آورده است. عباسی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) و جبنون<sup>۳</sup> (۲۰۰۵: ۲۱۶-۱۹۷) نیز الگوها و مختصات ویژه‌ای برای رهبری اسلامی نشان داده‌اند. آقاپیروز (۱۳۹۱) و شیخ‌زاده (۱۳۹۱) نیز اقدام به تبیین الگوی رهبری امام خمینی(ره) کرده‌اند. این تلاشها نشان می‌دهد رهبری در نگاه پیشوایان دین و پیروان آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. البته اخلاق در اسلام همزمان و همسان با رهبری مطرح شده است. در عین حال برای شناخت بهتر، کلیاتی از مکتب اخلاقی اسلام بیان می‌شود.

#### مکتب اخلاقی اسلام

اخلاق به لحاظ واژه‌شناسی از سه حرف اصلی «خ ل ق» تشکیل شده است که به دو شکل خُلُق و خُلُق (خُلُق) مطرح می‌شود با این تفاوت که خُلُق برای بیان ویژگی‌هایی نهادینه و تثبیت شده‌ای است که از طریق چشم دیده می‌شود (به لحاظ ظاهری مشهود است) و خُلُق (خُلُق) در مقام بیان ویژگی‌های نهادینه و تثبیت شده درونی و باطنی فرد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۹۷)؛ لذا اخلاق به معنای حالت‌های پایدار نفسانی است که باعث می‌شود انسان بدون نیاز به تفکر و درنگ به آسانی کارهای مناسب آن را انجام دهد (نراقی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱: ۲۶؛ تهرانی، ۱۳۹۱: ۳۲). اخلاق در دین اسلام به‌عنوان یک جزء دین در کنار عقاید و احکام مجموعه اجزای دین را تشکیل می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۸ و ۳۷) و ضرورت آن به گونه‌ای است که پیامبر (ص) آن را دلیل بعثت خود دانسته‌اند. «همانا من برای کامل کردن مکارم اخلاق برانگیخته شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶: ۲۱۰).

دانشمندان اخلاق اسلامی با شناخت نفس انسان، جایگاه و کارکرد اخلاق را تبیین کرده‌اند و معتقدند به دلیل اینکه هدف دین، هدایت انسانها است، اخلاق نیز به‌عنوان یکی از اجزای دین همین هدف را دارد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۳۱). این دانشمندان (ابن مسکویه، ۱۳۹۴؛ طوسی، ۱۳۵۶؛ نراقی، ۱۳۸۳ ق؛ طباطبایی، ۱۳۸۱ به نقل از تهرانی، ۱۳۹۱: ۶۶) معتقدند در صورتی که میان

1 - Character-centered leadership

2 - Abbasi

3 - Jabnoun

غرایز و قوای انسان یعنی عقل، غضب و شهوت، اعتدال برقرار باشد، انسان در مسیر کمال نفس به عنوان هدف اخلاق حرکت می کند.

با توجه به سیر تاریخی اخلاق اسلامی، که از دیدگاه فلاسفه یونان نیز بی تأثیر نیست، می توان سه عامل مکتب اخلاقی اسلام را چنین برشمرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۳۴-۲۵):

- ملاک رفتار اخلاقی، اثر آن بر رشد انسان و کمال نفس انسانی است.

- کمال انسان و غایت اخلاق در مفهوم قرب الهی است.

- در رفتار اخلاقی هم رفتار شایسته (حُسن فعلی) و هم نیت صحیح (حسن فاعلی) مهم است.

با توجه به اینکه منبع استخراج مفاهیم اخلاقی، متون دینی است، می توان چهارچوب عمومی پیشگفته در رهبری اخلاقی را در دستیابی به این عوامل به متون دینی عرضه، و ویژگیهای این مفهوم را استخراج کرد. تلاشها برای تبیین این مفهوم فراوان است؛ به عنوان مثال فارابی (۱۹۵۵م) در تبیین ویژگیهای خاص رئیس مدینه فاضله، ماوردی (۱۳۸۳) در بیان شرایط لازم رهبر در ساختار مطلوب حکومتی، طوسی (۱۳۴۴) در بیان ویژگیهای خاص رئیس یا مَلِک حکومت و... اشاره کرده اند. در عصر حاضر نیز از روشهای جدیدی در تبیین آن استفاده شده است؛ مانند امیری و دهقانی زنگنه (۱۳۹۲) در ارائه الگوی رهبری اخلاقی بر مبنای سیره نبوی، دانایی فرد و مؤمنی (۱۳۸۷) در نظریه رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)، دلشاد تهرانی (۱۳۹۱) در استخراج اصول دهگانه سیره امام علی (ع) و...

در این مقاله ادبیات منتخب به کتاب نهج البلاغه در بردارنده خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین امام علی (ع) عرضه شده است که وجوه جامعیت، عینیت و ابدیت را می توان در آن یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۰)؛ بنابراین ویژگیهای رهبری اخلاقی، برداشتهای برآمده از نهج البلاغه در برابر این سؤال است که رهبر، توجه و حساسیت پیروان را به چه چیزی جلب می کند تا آنها با درک این حساسیت به عنوان نیاز ضروری برای رشد خود در مسیر قرب الهی، آن را به عنوان ضرورت درک کنند و آگاهانه و مشتاقانه به دنبال دستیابی به آن باشند تا مسیر رشد و تکامل خود را با هدف قرب الهی پیمایند.

## روش پژوهش

با توجه به ارائه چهارچوب عمومی رهبری اخلاقی، پژوهش می‌تواند به گسترش نظری حوزه علم منجر شود؛ لذا با گرایش بنیادی و مبتنی بر پژوهش‌های کیفی انجام می‌شود. روش مطالعه و تحلیل به دلیل ویژگی‌های خاص متون دینی (سخن خدا یا امام معصوم(ع) و بیان به زبان عربی) استفاده همزمان از دانش فقه‌الحديث و تحلیل مضمون است. دانش فقه‌الحديث به دنبال فهم متن (درک واژه‌ها از طریق قواعد ادبیات عرب) و فهم مقصود متن (دستیابی به منظور اصلی متن)، دارای شش مرحله است شامل بررسی سند متن، فهم مفردات، فهم ترکیبات، گردآوری قرینه‌ها، اسباب ورود متن و تشکیل خانواده متن (مسعودی، ۱۳۸۵: ۷). به رغم پایایی و روایی فقه‌الحديث در تحلیل متون دینی به دلیل نیاز به دانش و زمان کافی در استفاده از آن در این مقاله مراحل آن در قالب روش تحلیل مضمون و مبتنی بر استفاده از شرح نهج‌البلاغه متناسب‌سازی شده است. استفاده از تحلیل مضمون به دلیل سنخیت آن با دانش فقه‌الحديث است به گونه‌ای که محدودیت‌های روش‌های جاری تحقیق را ندارد. تحلیل مضمون به دنبال شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌ها است (براون و کلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). هر مضمون اطلاعات مهمی است که معنی و مفهوم الگوی داده‌ها را نشان می‌دهد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۹). استخراج مضمون طی فرایندی سه مرحله‌ای انجام می‌شود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸) شامل تجزیه و توصیف متن (آشنایی با متن و ایجاد شناسه‌های اولیه، جستجو و شناخت مضامین)، تشریح و تفسیر متن (ترسیم و تحلیل شبکه مضامین)، ترکیب و ادغام متن (تدوین گزارش). نتایج نیز در قالب شبکه مضامین و تقسیم‌بندی بر اساس مضمون‌های پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، مضمون‌های سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضمون‌های فراگیر (مضامین عالی دربردارنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) انجام شده است.

شرح مورد استفاده، کتاب پیام امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه نوشته آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی است که از نسخه صبحی صالح استفاده کرده است. دلیل استفاده از این شرح استفاده آن از شرح‌های متعدد است که در برداشتها به موقعیت جامعه امروزی توجه، و با استفاده از دانش فقه‌الحديث به‌عنوان منبع پایایی و روایی به پژوهشگر کمک



کرده است.

### یافته‌های پژوهش

متن نهج البلاغه حدود ده مرتبه مطالعه شد و تا حدود پنج مرتبه نیز فرایند شناسه گذاری تکرار و بازبینی شد. در مرحله اول حدود ۷۰۰۰ شناسه اولیه، مرحله دوم حدود ۵۸۰۰ شناسه اولیه و در مرحله سوم حدود ۴۰۰۰ شناسه اولیه استخراج شد و در مراحل بعدی، شناسه گذاری مرحله سوم مورد بازنگری قرار گرفت. نتایج برای آسان سازی درک مطالب و انسجام شبکه مضمونها مبتنی بر نظام مفروض ارزشی و اخلاقی اسلام یعنی حوزه‌های خداشناسی، انسانشناسی و جهان‌شناسی ارائه شده است (افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷: ۵۰). نکته دیگر اینکه مضامین هم نسبت رهبر و هم نسبت به پیروان قابل تبیین است؛ زیرا هر انسانی نسبت به بالاتر از خود پیرو و نسبت به پایین تر از خود رهبر قلمداد می‌شود. البته به دلیل اینکه مسیر پیروی صعودی است، گرایش ادبیات و نتایج بر اساس پیروی به شکل بهتری قابل تبیین است.

### انسانشناسی

در حوزه انسانشناسی شش مضمون سازمان‌دهنده با عناوین توجه به رابطه با خود، رابطه با دیگران، هدایت‌پذیری، کسب فضائل اخلاقی، نگرش به رفتار و مسئولیت‌شناسی مقام به دست آمد. در جدول ۲، این مضمونها ارائه می‌شود.

جدول ۲: مضمونهای حوزه انسانشناسی با نمونه‌هایی از عبارتهای متن

نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه	نوع مضمون	
	پایه	سازمان‌دهنده
«ای مردم به تربیت نفس خویش پردازید و آن را از جاذبه عادتها بازدارید» (حکمت ۳۵۹). «خواب غفلتی که چشم‌ت را فرو گرفته با بیداری بر طرف ساز» (خطبه ۲۲۳). «خدا را خدا را از تعصّب ناروا بپرهیزید» (خطبه ۱۹۲).	توجه به هدایت و رشد خود	تربیت نفس
«بدانید هیچ طاعتی نیست جز اینکه انجام دادن آن سخت باشد. جلوگیری از نفس سرکش از مشکلترین کارهاست» (خطبه ۱۷۶). «از جسم و تن خویش بکاهید و بر جان خود بیفزایید و در این کار بخل نورزید» (خطبه ۱۸۳).	تحمل سختی رشد خود	

## ادامه جدول ۲: مضمونهای حوزه انسانشناسی با نمونه‌هایی از عبارتهای متن

نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه	نوع مضمون	
	سازمان‌دهنده	پایه
«انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز نطفه بی‌ارزشی بود و سرانجام مرداری است» (حکمت ۴۵۴). «بیچاره فرزند آدم ... پشه او را آزار می‌دهد؛ گلوگیر شدن موجب مرگ او می‌شود و عرق او را بدبو می‌سازد» (حکمت ۴۱۹).	رابطه با خود	توجه به ضعف وجودی خود
		بهره‌برداری از داشته‌های خود
		نقش انسان در سرنوشت خود
«هر نعمتی را که خداوند به تو داده است به‌طور صحیح از آن بهره‌برداری کن و هیچ نعمتی از نعمت‌های خداوند را ضایع و تباه مساز» (نامه ۶۹). «تباه کردن زاد و توشه نوعی فساد است و سبب فاسدشدن معاد» (نامه ۳۱).	رابطه با دیگران	بهره دیگران از داشته فرد
«این شما و این راه راست. نجات برای کسی است که خود را به میدان افکند و هلاکت نصیب کسی است که سستی و تبلی کند» (خطبه ۱۲۳). «مردم در آن (دنیا) دو گونه‌اند: بعضی خود را فروختند و هلاک کردند و بعضی خود را خریدند و آزاد کردند» (حکمت ۱۳۳).		استفاده از اطرافیان در رشد خود
«خدا بندگان دارد که نعمت‌های خاصی را به آنان بخشیده است تا بندگان دیگر از آن بهره گیرند» (حکمت ۴۲۵). «سخاوت‌مندی که در کمکهای مالی به دیگران بخل نرزد» (حکمت ۳۷۲).		هشدار به اطرافیان منحرف
«ای مردم! انسان هرچند ثروتمند باشد از بستگان خود بی‌نیاز نیست که از وی با دست و زبان دفاع کنند» (خطبه ۲۳). «نخستین نتیجه‌ای که شخص بردبار از بردباری خود می‌برد این است که مردم در برابر جاهل و نادان از وی حمایت خواهند کرد» (حکمت ۲۰۶).		مسئولیت به هدایت دیگران
«هرگز بخیل یا ترسو یا حریص را در مشورت خود دخالت مده» (نامه ۵۳). «باید دورترین رعایا به تو و میغوضترین آنها نزد تو کسانی باشند که بیشتر در جستجوی عیوب مردمند» (نامه ۵۳).		
«مردان خدا» «مخلصانه به‌سوی خدا دعوت می‌کنند» (خطبه ۳۲). «تمام رفتار نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون آب دهان است در برابر دریایی عمیق و پهناور» (حکمت ۳۴۷).		

## ادامه جدول ۲: مضمونهای حوزه انسانشناسی با نمونه‌هایی از عبارتهای متن

نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه	نوع مضمون		
	پایه	سازمان‌دهنده	
«به سخنان پیشوای الهی خود گوش فرا دهید. دل‌های خود را نزد او حاضر سازید و هنگامی که به شما فریاد می‌زند بیدار شوید» (خطبه ۱۰۸). «آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره‌گیرد» (نامه ۴۵).	پیروی مشتاقانه و آگاهانه از رهبر	هدایت‌پذیری	
	«ای مردم، چراغ دل خود را از شعله واعظ با عمل، روشن سازید و ظرف وجود خویش را از آب زلال چشمه‌ای که از آلودگیها پاک است پر کنید» (خطبه ۱۰۵). (دستیابی به حق را) «از اهلش، بیاموزید» (خطبه ۹۲).		انتخاب رهبر شایسته
«ترسناکترین چیزی را که بر شما از آن بیمناکم ... هواپرستی است» (خطبه ۴۲). «به خود بیش از حد آزادی ندهید که استفاده افراطی از مباح شما را در طریق ظالمان قرار می‌دهد» (خطبه ۸۶).	پرهیز از پیروی هوای نفس	کسب فضائل اخلاقی	
	«ای مردم... تاجهای برتری جویی را از سر بنهید» (خطبه ۵). «تاج تواضع بر سر نهید و خودبرتربینی را زیر پا افکنید. حلقه‌های زنجیر تکبر را از گردن فرونهد» (خطبه ۱۹۲).		پرهیز از خودبرتربینی
	«بدانید آرزوهای دور و دراز، خرد را به غفلت وا می‌دارد و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد» (خطبه ۹۴). «برترین غنا و بی‌نیازی، ترک آرزوهاست» (حکمت ۳۴).		پرهیز از آرزوپروری
«مؤمن» «هیچ کار خیری نیست، جز اینکه آهنگ آن می‌کند و در هیچ جا گمان خیری نمی‌رود جز اینکه به سوی آن گام برمی‌دارد» (خطبه ۸۷). «از بخشش کم حیا مکن؛ زیرا محروم کردن از آن هم کمتر است» (حکمت ۶۷).	فرصت شناسی رفتار شایسته	کنترل رفتار	
	«آن کس که بدون آگاهی به کار پردازد، همچون کسی است که از بیراهه می‌رود» (خطبه ۱۵۴). «گرفتن تصمیم‌های محکم با خوش‌گذرانی و سفره‌های رنگین سازگار نیست؛ پس کمربندها را محکم ببندید و دامن‌ها را به کمر زنید» (خطبه ۲۴۱). «نسبت به آنچه موظف نیستی دخالت منما» (خطبه ۳۱).		چگونگی رفتار

## ادامه جدول ۲: مضمونهای حوزه انسانشناسی با نمونه‌هایی از عبارتهای متن

نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه	نوع مضمون	
	سازمان‌دهنده	پایه
«تمام کارهایت برای خداست؛ اگر نیت خالص داشته باشی» (نامه ۵۳). «آن کس از شما که در بستر خویش بمیرد، ولی معرفت پروردگار خود و رسول او و اهل بیتش را به‌طور شایسته داشته باشد، شهید از دنیا رفته است. پاداش او بر خداست و ثواب اعمال صالحی را که قصد آن را داشته است، می‌برد و نیتش جای ضربات شمشیرش را می‌گیرد» (خطبه ۱۹۰).	زرنگ به رفتار	نقش نیت در رفتار
«هیچ‌کس جز انجام دهنده کار نیک به پاداش آن نمی‌رسد و کسی جز فاعل شر، کیفر آن را نمی‌بیند» (نامه ۳۳). «هرگز نباید ستم کسی که بر تو ستم روا می‌دارد بر تو گران آید؛ زیرا او سعی در زیان خود و سود تو دارد» (نامه ۳۱).		توجه به پیامد رفتار
(نمی‌توانید مانند من باشید) «ولی مرا با پرهیزکاری و تلاش و عفت و پیمودن راه درست یاری دهید» (نامه ۴۵). «شما پیمان‌شکنان، هرکدام، مسئولیت را به گردن دیگری انداختید و دست از یاری هم برداشتید» (خطبه ۲۷).	مسئولیت شناسی مقام	تلاش برای ادای مسئولیت
«از میان آنها (کارگزاران) افرادی را برگزین دارای تجربه و پاکی روح از خانواده‌های صالح و پیشگام و باسابقه در اسلام» (نامه ۵۳). (کسی که) «ستمگری را در ستمش یاری نکرده و گناهکاری را در گناهش کمک ننموده است» (نامه ۵۳).		اهلیت و شایستگی
(حکومت) «امری است که رنگهای گوناگونی دارد و دلها نسبت به آن استوار و عقلمها بر آن ثابت نمی‌ماند» (خطبه ۹۲). «فرمانداری تو برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی است در گردنت و تو از سوی مافوق خود تحت مراقبت هستی» (نامه ۵).	مسئولیت شناسی مقام	حفظ حساسیت و امانت
«از جمله حقوق (واجب) اینکه... با تمام توان در خدمت به رعیت بکوشی» (نامه ۵۹). (در مشکلات) «خراج آنها را به مقداری که امید داری کار آنها را اصلاح کند و بهبود بخشد، تخفیف ده» (نامه ۵۳). «کارهای آنها را بررسی کن آن‌گونه که پدر و مادر از فرزندشان تقصد می‌کنند» (نامه ۵۳).		بهبود وضعیت و مراقبت زیرمجموعه

به‌طور خلاصه در حوزه انسانشناسی، انسان سالک قرب الهی با شناخت داشته‌های خود، توجه به هدایت و رشد خود را در اولویت زندگی خود قرار می‌دهد و سعی می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای

در سرنوشت خود داشته باشد و با حرکت آگاهانه و اعتدالی، سختی‌های این مسیر را نیز تحمل می‌کند و با درک ضعف وجودی اجازه نمی‌دهد چالشها و تهدیدهای مسیر به کاهش شرافت انسانی وی منجر شود. به دلیل اینکه یکی از موانع عمده سلوک الهی، گرایشهای افراطی نفس انسانی است، اتصاف به فضائل و پرهیز از رذایل اخلاقی را در اولویت قرار می‌دهد. در کنار توجه به خود به دیگران نیز به‌عنوان افرادی توجه دارد که می‌توانند عامل صعود (استفاده از آنها در رشد خود و عبرت از آنها) و یا سقوط (پیروی از اطرافیان منحرف) وی باشند و به دلیل اثرگذاری و اثرپذیری از دیگران به دنبال ادای مسئولیتهای اجتماعی خود در برابر دیگران است و با برقراری روابط مبتنی بر شفافیت و احترام از این فرصت استفاده می‌کند. به دلیل اینکه انسان در معرض نفوذ رهبران گمراه و منفعت‌طلب قرار دارد، باید آگاهانه و مشتاقانه پیروی از رهبران وارسته و شایسته را وجه همت خود قرار دهد؛ در عین حال در توجه به مقام و منصب با قبول مسئولیتی متناسب با شایستگی خود تلاش لازم را برای ادای آن به کار می‌بندد و با درک چالشهای ناشی از مقام بدون منفعت‌طلبی بر توجه به زیرمجموعه و بهبود وضعیت آنان و کمک به آنان در وظایف تأکید دارد. از دیگر نکات تأکید مکتب اخلاقی اسلام توجه همزمان به حسن فعلی و حسن فاعلی است که انسان را به اهمیت و حساسیت نیت رفتار، خود رفتار و نتایج آن متوجه می‌سازد.

### جهان‌شناسی

در حوزه جهان‌شناسی چهار مضمون سازمان‌دهنده با عناوین توجه به دنیا، آخرت، مرگ و تهدیدات محیطی به دست آمد. در جدول ۳، این مضمونها ارائه می‌شود.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: مضمونهای حوزه جهان‌شناسی با نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه

نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه	نوع مضمون	
	پایه	سازمان‌دهنده
«(از مشکلات دنیا اینکه) انسان به نعمتی از آن نمی‌رسد جز با فراق نعمت دیگر» (حکمت ۱۹۱). «بدان به یقین هرگز به همه آرزوهای دست نخواهی یافت» (نامه ۳۱).	محدودیت در خواسته انسان	بهره‌مندی از فرصت دنیا
«شادمانی و نعمت آن پایدار نیست؛ سخت مغرورکننده و زیانبار است؛ متغیر و زوال‌پذیر و پایان‌گیرنده و نابودشدنی است» (خطبه ۱۱۱). «آیا دنیا برای دنیاپرستان زاد و توشه‌ای جز گرسنگی فراهم کرد و جز فشار و تنگی محلی برای آنها آماده ساخت و جز ظلمت برای آنها نوری مهیا نمود؟ آیا جز ندامت چیزی برای آنها به بار آورد» (خطبه ۱۱۱)؟	ماهیت موقتی، فریبنده، فرسایشی و بی‌ارزش دنیا	
«خدا را، خدا را، ای بندگان خدا! اکنون که سالم و تندرست هستید پیش از اینکه بیمار شوید و اکنون که در حال وسعت قرار دارید پیش از اینکه در تنگنای زندگی قرار بگیرید، فرصت را غنیمت بشمرید» (خطبه ۱۸۳).	بهره‌مندی از فرصت دنیا	
«دنیا خودش از زوالش خبر داده و بدیهایش را برای تو آشکار ساخته است» (نامه ۳۱). «دنیا پندهای فراوانی دارد که پرده از روی واقعیت خود برای تو برداشته و تو را به انصاف دعوت کرده است» (خطبه ۲۲۳).	ماهیت هدایتگر دنیا	
«در پی زرق و برق دنیا نباشید؛ هرچند دنیا به سراغ شما بیاید و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید تأسف نخورید» (نامه ۴۷). «ای بندگان خدا از اندوه آن (دنیا) و مشغول شدن به آن چشم فروگیرید» (خطبه ۱۶۱).	هشدار به دنیاطلبی	
«اگر تمام راه‌های فکر و اندیشه را طی کنی تا به آخر برسی، همه دلایل به تو می‌گویند که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت نخل است» (خطبه ۱۸۵). «وای بر آن کس که این نظام شگرف را ببیند و نظام‌آفرین این جهان را انکار، و مدبر عالم را نفی کند» (خطبه ۱۸۵).	شناخت آیات آفرینش الهی	بهره‌مندی از فرصت دنیا
«شما و قیامت را با یک رشته بسته‌اند. گویا نشانه‌های آن فرا رسیده و علائم آن نزدیک شده و شما را در مسیر خود قرار داده است» (خطبه ۱۹۰). «مردم بجز قیامت، اقامتگاهی ندارند و بسرعت در این میدان به سوی آن سرمنزل آخرین پیش می‌روند» (خطبه ۱۵۶).	قطعیت عالم آخرت	
«گردنه سخت و منزلگاه‌های هولناکی در پیش دارید که باید در آنها وارد شوید و نزد هر یک توقف کنید» (خطبه ۲۰۴). «آنها (مردگان) خطر آن جهان را وحشتناکتر از آنچه می‌ترسیدند، یافتند» (خطبه ۲۲۱).	توجه به وقایع آخرت	
«در این ایام فانی برای ایام باقی زاد و توشه تهیه کنید» (خطبه ۱۵۷). «برای خویشتن و آینده‌اش، چیزی آماده کند و زاد و توشه‌ای از سرایی که باید از آن کوچ کند برای سرای ابدی برگیرد» (خطبه ۸۶).	آخرت‌گرایی در دنیا	

ادامه جدول ۳: مضمونهای حوزه جهان‌شناسی با نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه

نمونه‌هایی از عبارات نهج‌البلاغه	نوع مضمون	
	سازمان‌دهنده	پایه
«نابودکننده لذت و برهم زننده خواسته‌ها و قطع‌کننده آرزوها را به یاد آورید» (خطبه ۹۹). «ای بندگان خدا از مرگ و نزدیک بودنش بر حذر باشید و آمادگیهای لازم را برای آن فراهم سازید» (خطبه ۲۷).	مرد	آمادگی برای مرگ و یاد آن
«به خدا سوگند این را که می‌گویم جدی است نه شوخی؛ واقعیت است نه دروغ و آن اینکه چیزی جز مرگ نیست» (خطبه ۱۳۲). «بدانید فاصله نگاه‌های مرگ به شما کوتاه و نزدیک است؛ گویی در چنگال مرگ گرفتارید درحالی‌که پنجه‌هایش را در شما فرو برده است» (خطبه ۲۰۴).		قطعیت مرگ
«ای وای از آن خانه تنهایی و منزلگاه وحشت و جایگاه غربت» (خطبه ۱۵۷). «حوادثی بر سر آنها (مردگان) فرود آمده است که به هیچ وجه قابل توصیف نیست» (خطبه ۱۰۹).		وقایع بعد از مرگ
«به خدا سوگند من با کید و مکر دشمن اغفال نمی‌شوم» (خطبه ۲۰۰). «آن که مرد جنگ است همیشه بیدار است و کسی که به خواب رود دشمن او در خواب نخواهد بود و از او غافل نخواهد شد» (نامه ۶۲).	مرد	هشیاری به تهدیدات محیطی
«شما را» از منافقان بر حذر می‌دارم؛ زیرا آنها گمراهند و گمراه‌کننده، خطاکار است و به خطا اندازد، هر زمان به رنگی در می‌آیند و به قیافه‌های دیگری خودنمایی می‌کنند» (خطبه ۱۹۴). «از هرگونه عاملی که موجب خلل در افکار تو شود یا تو را به شبهه‌ای افکند، بپرهیز» (نامه ۳۱).		لزوم آمادگی رویارویی با نفاق و شبهه
«اگر مرا به حرکت به سوی خود مجبور سازید، حمله‌ای به شما (بصریان) بیاورم که جنگ جمل در برابر آن بسیار کوچک باشد» (نامه ۲۹). «اگر افکار مهلک و آرای ضعیف و منحرف از مسیر حق، شما (پیمان‌شکنان بصره) را به ستیزه‌جویی با من بکشاند، من همان مرد دیروزم. سپاه من آماده و اسبها را زین کرده و جهاز بر شتران گذارده‌ام» (نامه ۲۹).		لزوم نمایش اقتدار و صلابت

به‌طور خلاصه در حوزه جهان‌شناسی، توجه انسان سالک به دنیایی جلب می‌شود که گرچه فریبنده، موقتی، فرسایشی و بی‌ارزش است، فرصتی است بی‌نظیر که به‌اندازه کافی نشانه‌های عبرت و هدایت در آن وجود دارد؛ لذا در بستر آماده دنیا با آگاهی از عدم ظرفیت دنیا در تحقق خواسته‌های انسانی نسبت به دنیاطلبی مراقبت می‌کند. وی باید خود را برای عالمی آماده کند که به‌طور قطع با آن رو به رو می‌شود که سعادت و شقاوت اخروی خود را با دست خود رقم زده

است. روشن است در مسیر آخرتگرایی از پل میان دنیا و آخرت غفلت نمی‌کند و برای پدیده قطعی مرگ و وقایع بعد از آن آمادگی لازم را کسب می‌کند. البته مسیر سلوک فرد در دنیا تهدیدات آشکار (دشمنان آشکار) و پنهان (نفاق و شبهه) نیز دارد که نیاز به شناخت و رویارویی حساب‌شده با آنها وجود دارد. یکی از نقاط امیدواری انسان سالک مبانی ضعیف فکری این تهدیدات است که با رویارویی مقتدرانه می‌توان با آنها مقابله کرد.

### خداشناسی

در حوزه خداشناسی سه مضمون سازمان‌دهنده با عناوین توجه و شناخت به صفات الهی، هدایت انسانها، پیروی از هدایت خدا به دست آمد. در جدول ۴، این مضمونها ارائه می‌شود.

جدول ۴: مضمونهای حوزه خداشناسی با نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه

نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه	نوع مضمون	
	پایه	سازمان‌دهنده
«علم او به مردگان پیشین همچون علمش به زندگان باقی است و دانش او به آنچه در آسمانهای بالاست، مانند دانش او به آنچه در طبقات پایین زمین است، می‌باشد» (خطبه ۱۶۳). «بر همه اشیا غالب است و به هر کاری قدرت دارد» (خطبه ۸۶).	شناخت صفات ثبوتیه	توجه و شناخت صفات الهی
«کسی را نزاید او تا خود مولود دیگری باشد و از کسی زاده نشد تا محدود به حدودی گردد» (خطبه ۱۸۶). «هرگز توصیف به داشتن اجزا و داشتن جوارح و اعضا و عرضی از اعراض و دارا بودن تفاوت نمی‌شود» (خطبه ۱۸۶).	شناخت صفات سلبیه	
«افکار ژرف‌اندیش، کنه ذات (خدای سبحان) را درک نکنند و غواصان هوشمند دریای علوم، دسترسی به کمال هستی او پیدا نکنند» (خطبه ۱). «عقول را از شگفتی‌های قدرتش در حیرت فرو برده و اندیشه‌های بلند انسانها را از شناخت کنه صفاتش باز داشته است» (خطبه ۱۹۵).	ناتوانی انسان از شناخت خدا	
«هیچ‌گاه خداوند سبحان، جامعه انسانی را از پیامبر مرسل یا کتاب آسمانی یا دلیلی قاطع یا راهی روشن، خالی نگذاشته است» (خطبه ۱). «خداوند با دلایلهای روشن، راه عذر را به روی شما بسته و حجّت را تمام کرده است» (خطبه ۱۷۶).	اتمام حجّت در هدایت انسانها	هدایت انسانها



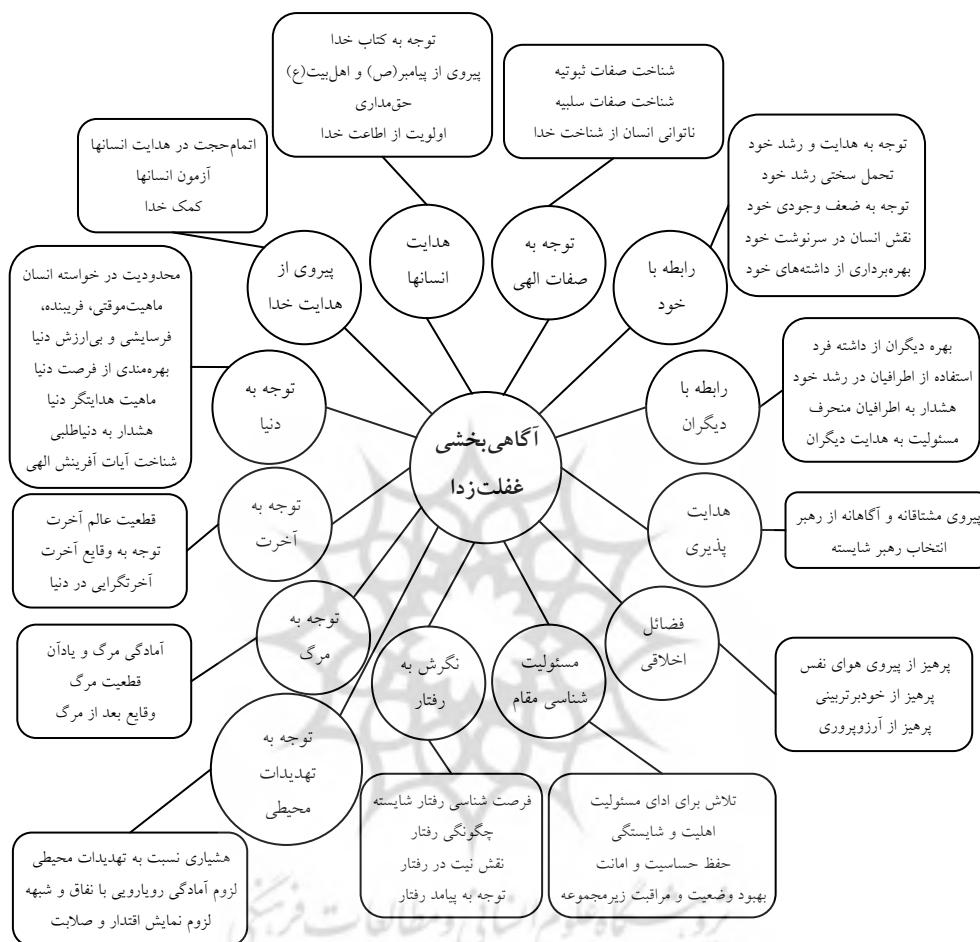
ادامه جدول ۴: مضمونهای حوزه خداشناسی با نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه

نمونه‌هایی از عبارات نهج البلاغه	نوع مضمون	
	پایه	سازمان‌دهنده
«ای مردم! خداوند هرگز تأمین نداده است که شما را آزمایش نکند» (خطبه ۱۰۳). «خداوند، بندگان را با انواع شداید می‌آزماید و با انواع مشکلات، متعدّد می‌سازد و با اقسام گوناگون گرفتاریها امتحان می‌کند» (خطبه ۱۹۲).	آزمون انسانها	هدایت انسانها
«خداوند متعال یاری کسی که او را یاری کند برعهده گرفته است» (نامه ۵۳). «خداوند نیاز دنیای شما را برطرف ساخته است» (خطبه ۱۸۳).	کمک خدا	
«خدا را خدا را که عمل به احکام قرآن را فراموش ننماید. نکند دیگران در عمل به آن بر شما پیشی گیرند» (خطبه ۴۷). «پروردگارتان را با قرآن بشناسید و خویشتن را با آن اندرز دهید» (خطبه ۱۷۶).	توجه به کتاب خدا	پیروی از هدایت خدا
«و به راه و رسم پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسمهاست. دستور و سنت او را به کاربندید که هدایت‌کننده‌ترین سنت‌هاست» (خطبه ۱۱۰). «آنها (اهل بیت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) او و مرجع احکامش و جایگاه حفظ کتابهای آسمانی او هستند و کوه‌های استوار دین‌اند» (خطبه ۲).	پیروی از پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)	
«باید محبوبترین کارها نزد تو اموری باشد که در جهت رعایت حق از همه کاملتر باشد» (نامه ۵۳). «باید حقوق خود را از امرای خود بگیرد و حقوق آنها را که با آن خداوند کار شما را اصلاح می‌کند به آنها بپردازد» (نامه ۵۰).	حق‌مداری	
«اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست» (حکمت ۱۶۵). «به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه با آنچه در زیر آسمانهایش قرار دارد به من داده شود تا خدا را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد» (حکمت ۲۲۴).	اولویت از اطاعت خدا	

به‌طور خلاصه در حوزه خداشناسی، توجه انسان سالک به شناخت درست صفات الهی است که فرد باید به همین صفات قرب پیدا کند؛ لذا باید هم صفاتی که شایسته انتصاب به خداست و هم صفاتی که شایسته انتصاب به خدای سبحان نیست بدرستی شناخته شود اما وی باید بداند که با محدودیتهای بشری هرگز توان درک کامل صفات الهی را ندارد و این خود انگیزه‌ای برای تکامل وی را فراهم می‌کند. مسیر هدایت نیز در اختیار انسان قرار گرفته است و انسانها به کمک خدا

می‌توانند با انواع آزمون‌هایی که در مسیر زندگی آنان قرار دارد، مراحل رشد خود را با پیروی از کتاب و سنت طی کنند و با شناخت درست حق، اطاعت از خدا را در اولویت زندگی خود قرار دهند.

بر اساس تحلیل مضمون، مضامین پایه و سازمان‌دهنده، تشکیل‌دهنده مضمون فراگیر هستند. مضمون فراگیر پژوهش با جمع‌بندی و تلخیص مضامین انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی که مبتنی بر اجرای چهارچوب عمومی رهبری اخلاقی در مکتب اخلاقی اسلام در نهج‌البلاغه انجام شد به دست آمد. از این رو مضمون «آگاهی‌بخشی غفلت‌زدا» به‌عنوان مضمون فراگیر برداشت شده از متن تعیین شده است. بر اساس شبکه مضامین، که در نمودار دایره‌ای ذیل ارائه شده است، هر یک از مضمون‌های سازمان‌دهنده و پایه توسط مضمون فراگیر تبیین می‌شود و هر کدام در رشد و تکامل پیروان در مسیر قرب الهی مبتنی بر مضمون فراگیر نقش دارد. همان‌طور که بیان شد، نتایج در قالب شبکه مضامین ارائه می‌شود. در این شبکه بر اساس روند مشخص مضمون‌های پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر در یک نقشه، نظام‌مند می‌شود که البته اصراری بر ضرورت ارتباط سلسله مراتبی میان مضامین نیز وجود ندارد و بیشتر بر وابستگی و ارتباط متقابل میان مضامین تأکید می‌شود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). شکل ۱ نتایج را در قالب شبکه مضمونها نشان می‌دهد.



شکل ۱: شبکه مضمونها بر اساس مضمونهای فراگیر، سازمان دهنده و پایه

### نتیجه گیری و پیشنهادها

به رغم اینکه رهبری یکی از بیشترین پدیده‌های مشاهده شده است به آن توجه اندکی شده است (برنز، ۱۹۷۸: ۲) به گونه‌ای که شناخت کاهش گرای آن موجب شده است نه تنها کارکرد انسانساز و تعالی بخش آن خدشه دار شود بلکه مورد سوء استفاده برخی فرصت طلبان نیز قرار گیرد. نظریه‌های رهبری غربی نیز به دلیل نداشتن رویکرد همه جانبه از این کارکرد باز مانده‌اند. این مقاله در راستای رفع این شکاف رهبری مبتنی بر اخلاق و جلب توجه پیروان به غایت اخلاق به عنوان

نیاز ضروری و درست برای آنان مطرح شده است. رویکرد رهبری اسلام با محوریت امانت و امامت و نیز غایت مکتب اخلاقی اسلام به عنوان قرب الهی می‌تواند نسخه متعالی رهبری اخلاقی و اجزای آن را ارائه کند. در این نسخه انسانها به شکل بی‌انتها در نزدیکی و اجرای صفات الهی در خود پیش می‌روند تا جایی که انسان به مقام انسان کامل می‌رسد که در آن تمام ابعاد وجودی انسان رشد می‌یابد؛ زیرا که هدایت غریزی، فطری و عقلانی توسط هدایت وحیانی راهنمایی می‌شود. در حالی که دیدگاه غربی به دلیل بسندگی به عقل و تجربه بشری دچار محدودیت در رشد همه‌جانبه انسان هستند.

در مقاله ویژگیهای رهبری اخلاقی از نهج البلاغه و بر مبنای فقه‌الحديث و تحلیل مضمون استخراج شد. مضمون فراگیر این مفهوم به عنوان «آگاهی‌بخشی غفلت‌زدا» تعیین شد. این مفهوم نشان می‌دهد لوازم و مسیر هدایت برای انسانها وجود دارد اما ممکن است به دلایل مختلف نسبت به آنها کم توجهی شده باشد؛ لذا رهبر با آگاهی‌بخشی، حساسیت متناسب پیروان به لوازم و مسیر هدایت آنها را به وجود می‌آورد تا آنها با انتخاب و اشتیاق برای شکوفایی استعدادها و توانمندیهای خود اقدام کنند و نقش فعال آنها در رهبری نشان داده می‌شود. در واقع سازوکار حساسیت‌زایی رهبری اخلاقی اسلام توجه به این است که وجود انسان با تمام عظمت و داشته‌های فراوان و بی‌نظیر تنها با حرکت در مسیر قرب الهی به جایگاه شایسته خود می‌رسد و توجه به این مهم انگیزه مناسب برای پیروان را ایجاد می‌کند. این حرکت چنان ضرورت و گستردگی دارد که به عنوان مثال هیچ موقعیتی نیست مگر اینکه زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم کند و هیچ نقطه‌ای نیز برای فرد وجود ندارد از توجه به نشانه‌های آفرینش گرفته تا بهره‌هایی که می‌تواند از ادای حقوق دیگران ببرد، فرصتهایی که در مقام و منصب برای وی فراهم شده است، آنچه از خلوص نیت خود بهره‌مند می‌شود، نتایج سازنده‌ای که از پیروی از رهبر به دست می‌آورد، پویایی‌ای که از آمادگی نسبت به مرگ برای خود به ارمغان می‌آورد، رشد و بصیرتی که از کتاب خدا و سنت نصیب وی می‌شود و... که هر کدام فرد را از روزمرگی، عادت‌زدگی و توقف در مسیر متعالی زندگی دور می‌کند.

از دیگر موارد متمایز ویژگیهای شبکه مضمونها، توجه همزمان به حوزه‌های مختلفی است که گرچه ممکن است در سایر مکاتب مطرح نشده باشد، مبتنی بر غایت اخلاق اسلامی برای تکامل انسانی ضروری است؛ به عنوان مثال توجه همزمان و متناسب به خود و دیگران، نیت رفتار در کنار چگونگی و پیامد آن، توجه به دنیا در کنار آخرت، توجه به هدایت انسانها توسط خدا در کنار

وظیفه انسانها در پذیرش هدایت الهی، توجه به مقام و منصب به عنوان امانت در کنار ادای حقوق دیگران، همزمانی آزمون الهی در کنار کمک خدا، دشواریهای مسیر رشد در کنار حلاوتها و منافع آن و ...

برداشتهایی که از مضمونهای اکتسابی به دست می آید نشان می دهد امام(ع) به عنوان اسوه و الگوی تمام عیار هدایت انسانها است و برنامه تربیتی امام(ع) نه تنها برای مسلمانان بلکه برای بشریت نسخه زندگی سعادت‌مندان را ارائه کرده است.

### یادداشت

این مقاله با حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نگارش یافته است.

### منابع فارسی

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- آقا پیروز، علی (۱۳۹۱). رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی(ره). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- افتخاری، اصغر؛ کمالی، علی اکبر (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- انصاری، محمدعلی (۱۳۹۰). پرتوی از مدیریت نبوی، اعتدال محمد (ص). مشهد: مؤسسه بیان هدایت نور.
- انصاری، محمدعلی (۱۳۹۲). ملک سلیمان. مشهد: مؤسسه بیان هدایت نور.
- بکر، سی. لارنس (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه اخلاق غرب. ترجمه گروهی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). اخلاق الهی درآمدی بر اخلاق و مباحث خرد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروانیان، حمیدرضا؛ شفیعی رودپشتی، میثم (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی الگوی مدیریت اخلاق در سازمان در مکاتب غربی و آموزه‌های علوی. پژوهشنامه اخلاق. س ۴. ش ۱۲: ۱۴۵ تا ۱۷۲.
- خوشحال، ابوالقاسم (۱۳۸۰). امهات فلسفه اخلاق، دفتر اول. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ قرآن. تهران: نشر مرتضوی.
- زیبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالهدایه.
- شریفی، عنایت‌الله (۱۳۹۳). درس‌نامه اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم). قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

شیخزاده، محمد (۱۳۹۱). الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره). *اسلام و مدیریت*. س ۱. ش ۱: ۷ تا ۳۶.

صانعی دره بیدی (۱۳۷۷). *فلسفه اخلاق و مبانی رفتار*. تهران: سازمان صداوسیما.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: نشر بی تا. عابدی جعفری، محمد؛ تسلیمی، سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*. س ۵. ش ۲: ۱۵۱ تا ۱۹۸.

قراملکی، احد (۱۳۸۸). *اخلاق سازمانی*. تهران: مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۵). *روش فهم حدیث*. تهران: انتشارات سمت.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۶). *فلسفه رهبری در اسلام*. تهران: انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). سه ویژگی در نهج‌البلاغه (جامعیت، عینیت و ابدیت). *فصلنامه نهج*. ش ۱۱ و ۱۲: ۹ تا ۱۷.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *پیام امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه*. تهران: دارکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *نقد مکاتب اخلاقی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

میر اسکندری، مجید (۱۳۸۳). *اخلاق حرفه‌ای در بوته عمل*. حسابرس. ش ۲۷: ۴۰ تا ۴۱.

نراقی، ملا مهدی (۱۳۸۳ ق). *جامع السعادات*. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی با عنوان علم اخلاق اسلامی، تهران: نشر حکمت.

#### منابع انگلیسی

- Abbasi, A., Rehman, K., & Bibi, A. (2010). Islamic leadership model an accountability perspective. *World Applied Sciences Journal*. Vol. 9 No. 3, 230-238.
- Alexakis, G. (2011). "Transcendental leadership: The progressive hospitality leader s silver bullet. *International Journal of Hospitality Management*. Vol. 30, 708-713.
- Ali, A. (2005). *Islamic Perspectives on Management and Organization*, Edward Elgar.
- AlSarhi, N. Z., Salleh, M. Lailawati., Mohamed, ZA., Amini, AA. (2014). The West and Islam Perspective of Leadership. *International Affairs and Global Strategy*. Vol. 18, 42-56.
- Avolio, B. J., & Gardner, W. L. (2005). Authentic leadership development: Getting to the root of positive forms of leadership. *The Leadership Quarterly*. Vol. 16 No. 3, 315° 38.
- Beekun, R. I. (2012). "Character centered leadership: Muhammad (p) as an ethical role model for CEOs. *Journal of Management Development*. Vol. 31 No. 10, 1003-1020.
- Ben-Hur, S. & Jonsen. K. (2012). "Ethical leadership: lessons from Moses." *Journal of Management Development*. Vol. 31 No.9, 962-997.
- Braun, V., & Clarke V. (2006). "Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. Vol. 3 No. 2, 77-101.

- Brown, M. E., Trevino, L. K. (2006). "Ethical Leadership: A Review and Future Directions. **The Leadership Quarterly**. Vol. 17, 595-616.
- Brown, M. E., Trevino, L. K., Harrison, D. A. (2005). "Ethical Leadership: A Social Learning Perspective for Construct Development and Testing." **Organizational Behavior and Human Decision Processes**. Vol. 97, 117-134.
- Burns, J. M. (1978). **Leadership**, New York: Harper and Row.
- Campbell, A. R. (2008). Leadership succession in early Islam: Exploring the nature and role of historical precedents. **The Leadership Quarterly**. Vol. 19, 426-438
- Cardona, P. (2000). "Transcendental leadership. **Leadership & Organization Development Journal**. Vol. 21 No. 4 , 201-207
- Chan, K. Y., & Drasgow, F. (2001). Toward a theory of individual differences and leadership: Understanding the motivation to lead. **Journal of Applied Psychology**. Vol. 86 No.3, 481-498.
- Fry, L. & Kriger, M. (2009). Towards a theory of being-centered leadership: Multiple levels of being as context for effective leadership. **Human Relations**. Vol. 62 No. 11, 1667-1696
- Fry, L. W. (2003). "Toward a theory of spiritual leadership. **The Leadership Quarterly**. Vol. 14, 693-727
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, P. Ditto, S. (2013). Moral Foundations Theory: The Pragmatic Validity of Moral Pluralism. **Advances in Experimental Social Psychology**. Vol 47, 55-130
- Jabnoun, n. (2005). **Islam and management**. Riyadh, International Islamic Publishing House.
- Kanungo, R. N., & Mendonca, M. (1996). **Ethical dimensions of leadership**. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Kanungo, R. N., & Mendonca, M. (1998). "Ethical Leadership in Three Dimensions. **Journal of Human Values**. Vol. 4 No.2, 133-148
- Kriger, M., Seng, Y. (2005). Leadership with inner meaning: A contingency theory of leadership based on the worldviews of five religions. **The Leadership Quarterly**. Vol. 16, 771-806
- Northouse, P. G. (2007). **Leadership: Theory and practice**, Thousand Oaks, CA: SAGE
- Toor, S., & Ofori, G. (2009). Ethical leadership: Examining the relationships with full range leadership models, employee outcomes, and organizational culture. **Journal of Business Ethics** 90: 533-547.
- Trevino, L. K., Hartman, L.P. and Brown, M. (2000). Moral persons and moral manager: how executives develop a reputation for ethical leadership. **California Management Review**. Vol. 42 No. 4, 128-141

